

جوانان کمونیست ۸۵

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲۲ فروردین ۸۲

۱۱ آپریل ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



جنگ آمریکا با عراق و تاثیرات تعیین کننده بر اوضاع ایران

مصطفی صابر



جامعه ایران از شوک اولیه جنگ (که با رکود نسبی سیاسی ناشی از تعطیلات نیز همراه شده بود) بیرون می آید. حالا میشود کشاکش های سیاسی را بطور روشنتر مشاهده کرد. اعتراض حول مسائلی مانند گرانی، دستمزد کم، اخراج و بیکاری و خود اختناق و استبداد جمهوری اسلامی دوباره با شتاب معمول از سر گرفته میشود. اما تاثیراتی که جنگ و تحولات جهانی یکی دو ماهه اخیر بر مردم و صحنه سیاست ایران به جا گذاشته بسیار عمیق است و آثار تعیین کننده ای بر تحولات ایران خواهد داشت، چه در رابطه با رابطه مردم با حکومت، چه در رابطه

با مردم اپوزیسیون و کلا جهان نگری مردم ایران. جامعه ایران همان جامعه قبل از شروع جنگ نیست. این البته تحولی هنوز در حال جریان و پایان نیافته است. این جنگ و تبعات آن هم اکنون هنوز مساله اصلی مورد توجه جامعه است. بویژه آنکه در لحظه حاضر همه چیز از تحولی تعیین کننده، سقوط دولت صدام خبر میدهد.

عراق پس از صدام

مردم ایران از سقوط صدام آشکارا خوشحالند. نه فقط به این دلیل که یک دیکتاتور خون آشام کمتر شد. نه حتی فقط به این دلیل که مردم سقوط صدام را توی چشم حاکمان اسلامی میکنند که "شما هم رفتنی هستید". بلکه در وحله اول به این دلیل که سقوط صدام را مترادف با پایان جنگ و بهر حال کاهش خونریزی میدانند. قطع جنگ مساله اصلی مردم بود. اما این به معنی بی اعتنائی به آینده عراق نیست. برعکس، مردم ایران سرنوشت مردم عراق بعد از صدام و تحت تسلط نظامی آمریکا و انگلیس را بدقت دنبال خواهند کرد. میخواهند ببینند که صفحه ۲

کارگران در صف اول

اعتراضات کارگری بعد از تعطیلات عید بالا گرفته است. این اعتراض طبقه ای است که تمام نظم اقتصادی و سیاسی موجود علیه اوست. طبقه ای که رهایی او جز با زیر رو کردن کل مناسبات بردگی مزدی و پایان دادن همیشگی به دوره حاکمیت بهره کشی و تبعیض و بی حقوقی در تاریخ بشر بدست نمی آید.

بی صبرانه در انتظارم! گفتگو با شادی حقیقت طلب

شادی حقیقت طلب اگر اشتباه نکنم کمی کمتر از ۲۰ سال دارد و ساکن تهران است. گفتگوی زیر با او در اوائل هفته گذشته ترتیب داده شده است.

جوانان کمونیست: این روزها طبعاً جنگ وحشتناکی که در عراق جریان دارد همه را مشغول کرده است. بحث و گفتگوهای مردم در اتوبوس و تاکسی و در خانواده ها چیست؟

جوانان کمونیست: نظر مردم راجع به برخورد جمهوری اسلامی به جنگ چیست؟ مردم به تمایز و اختلافات جناح ها در قبال جنگ چه برخوردی دارند؟

صفحه ۶

منصور حکمت: فرد _ انسان سرمایه داری _ سوسیالیسم

موقعیت فرد انسان در سوسیالیسم یکی از سوالاتی است که مکرراً پرسیده میشود. و یکی از جنبه هایی است که مورد بیشترین تحریفات قرار گرفته است.



کلاهک های جنگی خالی در واشینگتن پیدا شد!



ژنرال گارنر فرمانده آمریکا در سال ۹۱ در شمال عراق و رئیس حکومت نظامی آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۳

خردادی ها شبها خواب اینرا می بینند که کی در لیموزینهایشان لم بدهند و در خیابانها تهران، شیراز و یا سنندج قیقاچ بروند. تنها یک مشکل کوچک این وسط هست: مردم: کارگران، زنان و جوانانی که نه جمهوری اسلامی را میخواهند و نه سناریو سیاه آمریکایی و دولت امثال کزازی و ژنرالهای آمریکایی را، مردمی که میخواهند از همه اینها رها بشوند؛ کمونیسم کارگری.

امام زمان؟ نه مرسی!
صفحه ۶

رادیو و تلویزیون
صفحه ۶

رئیس قبائل عراقی رئیس قبائل ایرانی؟

بی بی سی فارسی:
... چندین ماه است که گزارش میشود ماموران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، سیا، همان کاری را در عراق انجام میدهند که سال گذشته در افغانستان کردند و آن عبارت است از دادن پول فراوان به شیوخ قبایلی که امیلوارند درآینده به نوعی به درد آنها بخورند... هرچند صدام حسین در سال های اولیه قدرت سعی داشت از نقش قبائل در جامعه عراق بکاهد، اما در ساله های اخیر او نیز از پول و اسلحه برای تطمیع آنها استفاده کرده است. این روزها در عراق، دین رهبران قبایل عراقی با لیموزین های سیاه آخرین مدل و کلاشینکف های نو و براق، صحنه ای عادی است. صدام در ازای وفاداری این رهبران (!) مقدار زیادی از اختیارات حکومت محلی را به آنها واگذار کرده است. حق اجرای مقررات عرفی قبایلی در مورد اختلافات بین اعضای قبیله از جمله این اختیارات است. بریتانیا هنگام اشغال عراق در جنگ جهانی اول، فهرستی از قبایل مختلف آن کشور تهیه کرد تا ببیند کدامیک از آنها به بریتانیا وفادار خواهند بود. به نظر میرسد که در این جنگ نیز اشغالگران

آزادی، برابری حکومت کارگری!

از صفحه ۸

جنگ آمریکا با عراق و

تاثیرات سیاسی جدی و پایداری در اوضاع ایران داشته است.

پروغری، کدام غرب؟

اول از همه باید از تاثیر جنگ و جنبش ضد جنگ بر فرهنگ سیاسی مردم ایران سخن گفت. تا قبل از این جنگ، فرهنگ و تمایل ملدن و پروغری مردم ایران، بویژه نسل جوان (که خیلی ها بیهوده میخوانند آنرا اسلامی و ملی تعریف کنند) خط و تمایز روشی با سیاست های ضد بشری آمریکا نمی کشید، یا صحیح تر فرصتی فراهم نشده بود تا این خط و مرزها در ابعاد توده ای و وسیع خود را نشان بدهد. در جریان ۱۱ سپتامبر، مردم ایران بدست از جنایات اسلام سیاسی که خود بیش از دو دهه پیشید بودند، ابراز انزجار کردند. در جریان سقوط طالبان مردم ایران بدست از نابودی طالبان خوشحال بودند. اما خیلی ها اینرا به حساب طرفداری از آمریکا و سیاست های میلیتاریستی آن و چشم به آسمان دوختن برای بسم ها و کروزهای آمریکایی که بر سر تهران ببارد، گذاشته بودند. بیخود نبود که مقامات آمریکایی بارها ادعا کرده بودند که تنها کشوری در خاورمیانه که مردم آن "پرو آمریکایی" هستند، ایران است. این تصور البته سطحی بود. ما بارها تاکید کرده بودیم که مردم ایران پروغری اند، اما طرفدار تمدن و فرهنگ متعالی و انسانی غرب هستند، نه جانبدار فرهنگ کشتار و جنایت و ریاکارانه و تبعیض آمیز بورژوازی غرب. مردم ایران نه اسلامی اند، نه میخوانند به دوره کوروش و داریوش و امپراطور پارس برگردند و نه میخوانند زیر سایه امپراطوری بردگی ملدن سرمایه به رهبری آمریکا بروند. وقتی مردم ایران از زندگی غربی بعنوان یک الگو صحبت میکردند منظورشان همان آزادیهای بدست آمده در غرب، همه درجه از رفاه، بیمه بیکاری، درجه ای از بهداشت، آزادیهای مدنی و فردی در جوامع غربی است. آزادیهایی که اتفاقا محصول مبارزات طولانی کارگران و زنان و عموما علیرغم تمایل دولتهای بورژوازی بدست آمده، حفظ شده و هر روز برای حفظ شان نبرد جریان دارد.

تا قبل از این جنگ و جنبش عظیم ضد جنگی که راه افتاد، ادعای اینکه تمایل مردم ایران به این غرب مترقی، این غرب آزادیخواهانه، کارگری و سوسیالیستی است بیشتر یک حکم تئوریک، و ادعای حزب کمونیست کارگری بود. حاکمتر میشد آنرا در محیط های روشنفکری و دانشجویی و برخی مقاطع اعتراضات توده ای (نظیر ملعمان و دانشجویان) نشان داد. اما جنگ اخیر، جنایات آمریکا و انگلیس علیه مردم عراق و قلدرمنشی آنها از یکسو، و اعتراضات عظیم ضد جنگ از سوی دیگر، برای مردم ایران در ابعاد توده ای مدرسه سیاست بود. مردم ایران و بویژه جوانان دیدند که "پرو آمریکایی" بودن چه موضوع ارتجاعی و خطرناکی و علیه کلیت تمدن بشری است. آنها دیدند که آرتش آزادیبخش آمریکا چیزی جز خون و آتش و کشتار بچه ها و نابود کردن تمدن نیست. آنها دیدند که آن مردمی که در غرب الگوی شان هستند و میخوانند مثل آنها زندگی کنند، در صفوف دهها میلیونی

علیه جنگ به خیابان آمدند. لذا یک موضوعی وسیع و علنی و توده ای در ایران صورت گرفت. در جریان این جنگ موضع اکثریت عظیم مردم ایران موضع ضد جنگ بود. درست مثل مردم جهان و بویژه غرب. اشتباه است اگر فکر کنیم این صرفا بر پایه نفرت بحق از جنگ و تمایل طبیعی به صلح بود و یا اگر فکر کنیم این موضعگیری با پایان جنگ عوض خواهد شد. این یک اعلام جهت گیری ایدئولوژیک در ابعاد توده ای بود. مردم در ابعاد وسیع نشان دادند که تمایز روشنی بین پرو آمریکایی و پروغری میگذرانند. نشان دادند که فرهنگ و تمدن غربی را (بر خلاف حکومت اسلامی و کل جنبش ملی اسلامی) طالب اند، اما جینگوسم آمریکا و بسم و کروز را (بر خلاف سلطنت طلب ها) نمی خواهند. این یک تحول سیاسی و ایدئولوژیک مهم است. یکباره ناظرین با تعجب دیدند که مردم عادی مخالف جنگ، مخالف آمریکا و مخالف جمهوری اسلامی اند. یک بار دیگر همه به عیان دیدند که تنها جریانی که در عرصه سیاست و در سطح احزاب این موضع مردم را نمایندگی میکند، حزب کمونیست کارگری است.

یک بار دیگر معلوم شد که این حزب عمق تمایلات انسانی و مترقی مردم ایران را که سرکوب و اختناق جمهوری اسلامی و عدم وجود آزادیهای سیاسی و ابراز آزاده عقاید جلوی بروز آنرا میگیرد، بروشنی نمایندگی میکند. جنگ و موقعیت رژیم اسلامی البته رژیم اسلامی تلاش کرد تا این تمایلات ضد جنگ مردم چه در جهان و چه در ایران را به نفع خود مصادره کند. اما جز ریشخند چیزی تحویل نگرفت. در جریان این جنگ مردم اتفاقا یاد گرفتند که هم میتوان ضد سیاست های میلیتاریستی و امپریالیستی آمریکا بود، هم میتوان به نظم نوین جهانی بوش نه گفت و هم به موضع کور و ارتجاعی "ضد آمریکایی" نظیر جمهوری اسلامی دروغ گفت. (درسی که چپ ناسیونالیست و گاه ارتجاعی بعد هنوز نیاموخته است). مردم دیدند که بین دو ارتجاع "پرو آمریکایی" (که ناسیونالیست های رنگارنگ و از جمله سلطنت طلب ها نمایندگی میکنند) و "ضد آمریکایی" (که جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم جهاسومی نمایندگی میکند) یک موضع اصولی و انسانی و جهانی است که حاضر نیست به هیچ ارتجاعی باج بدهد. جمهوری اسلامی این جنگ را زمینه ای برای باجگیری ایدئولوژیک خود قلمداد کرد، اما کسی در پشت سر اوپاش اسلامی شعار "مرگ بر آمریکا" رژیم را تکرار نکرد. مردم بشدت ضد جنگ بودند، اما ترجیح دادند تا فرصت تظاهراتی مستقل خود قاطی صفوف رژیم اسلامی نشوند.

در سطح سیاسی رژیم اسلامی گرچه توانست برای مدت کوتاهی از کاهش جدالهای درونی و کاهش اعتراضات جاری مردم ناشی از شوک جنگ برخوردار باشد (مثلا اعتراضات معمول چهارشنبه سوری و عید را نسبتا آسان از سر بگذرانند، مبارزه قابل انتظار کارگران بر سر دستمزدها را کمتر در برابر خود ببینند) اما در عوض کل خود را محتاط تر و ضعیف تر در برابر مردم یافته است. خشم و نفرتی که مردم نسبت به جنگ و کشت و کشتار نشان دادند، ابدا مایه آرامش خاطر جمهوری اسلامی که مخالف جنگ بود، نگردید. برعکس وحشت

از صفحه ۸

گفتگو با شادی حقیقت طلب

شادی حقیقت طلب: مردم همیشه نظرات جمهوری اسلامی را میدانند که دروغ است و بیشتر با کلک همراه است. ولی به نظر من (در جمهوری اسلامی) سکوت بیشتر حاکم است تا نظر. بیشتر نظرات جمهوری اسلامی در مورد محافل بین المللی است تا در مورد خود جنگ، برای خرید آبرو.

به نظر من تمام نظام موافق این جنگ ولی بیرون از محدوده خودشان هستند. زیرا تامل منطقه شلوغ باشد میتوانند داخل را سرکوب کرد و مردم دنیا هم، بخاطر جنگ، زیاد مساله شان داخل ایران نباشد. در مورد اختلافات و دعوا های دو جناح، باور کنید مردم با این مساله اصلا توجه ندارند و بازیهای داخل نظام اصلا برایشان هیچ ارزشی ندارد و همه به این نتیجه رسیده اند که این نظام باید همه اش برود، نه (فقط) این جناح و یا آن جناح.

جوانان کمونیست: تبلیغات نیروهای سلطنت طلب چقدر در بین مردم مطرح است؟ عکس العمل در قبال این تبلیغات چیست؟ موافقها چه میگویند و مخالفها چه؟

شادی حقیقت طلب: تعداد زیادی از سلطنت طلب ها با شروع جنگ این فرصت را طلایی میدانند و برای این که خود را موجه جلوه دهند تبلیغات زیادی میکنند. و از شعارهای خود حزب هم برای نظر مردم استفاده میکنند مانند آزادی زندانیان سیاسی و یا آزادی همه افسار مردم.

عکس العمل مردم را جلودا اینچنین میشود گفت مردم ایران در مورد سلطنت نظری (خوش) ندارند ولی بیشتر به خاطر رابطه آمریکا و نزدیکی آنها با هم، به

داشت که این اعتراض ضد جنگ اگر به خیابان و نمایش توده ای برسد، بلافاصله علیه رژیم هم خواهد بود. بعلاوه جنگ موقعیت بین المللی جمهوری اسلامی را بیش از پیش زیر سوال برد. گرچه اروپا آشکارا با جمهوری اسلامی نزدیکتر شد، گرچه عملا مذاکراتی با آمریکا صورت گرفت، اما نفس حمله آمریکا به عراق برای تعویض رژیم، جمهوری اسلامی را بعنوان رژیمی که میتواند هدف یعنی آمریکا باشد، بیش از پیش در سطح جهانی و داخلی مطرح کرد. این نگرانی و احساس خطر جمهوری اسلامی را میتوان در احتیاط آنها در سیاست خارجی و همچنین در ژستهای داخلی نظیر مرخصی دادن به زندانی های دوم خردادی و حتی برخی مخالفین رادیکال جمهوری اسلامی، کاملا حس کرد. همین اوضاع به نظر میرسد که توازن موجود بین دو جناح را که به نفع جناح راست است، میبرد که بهم بزند. بازیدگر ما شاهد خواهیم بود که بن بست اساسی جمهوری اسلامی خود را حول رفتار بین المللی اش نشان خواهد داد: جمهوری اسلامی اگر بخواید بر هویت ضد آمریکایی و ایدئولوژیکی تا کنونی خود پای فشاری کند با خطر جدی فشار بین المللی و اعتراض داخلی روبرو خواهد شد و اگر بخواید از آن دست بردارد با خطر تشدید تشنت ایدئولوژیک، بحران حکومتی و باز

عنوان یک آلترناتیو موقت به آنها نگاه میکنند، و یا بقولی بین بد و بدتر حاضرند بد را پیشترند. ولی سوالی که همیشه همه جا محسوس است اینه که مگر آدم مغز خر خورده که دوباره بیاید و به ۵۰ سال عقب برگردد و دوباره بعد از آرامش مجبور شود کلی تلفات بدهد تا این ها را عوض کند.

موافقها میگویند میشود با این نوع سیستم به دمکراسی نوع غربی رسید و خواسته های خود را مانند مردم اروپا مطرح کرد و بیشتر به نمونه های موجود اتکا میکنند. ولی مخالفان حرفشان این است که این نظام ها جانبدار یک طبقه است و نمی تواند آزادی را تحمل کند این بحث عمومی بوده و خیلی در ایران قویست.

جوانان کمونیست: چقدر فکر میکنید مردم و بخصوص جوانها آماده اعتراض علیه جنگ هستند؟

شادی حقیقت طلب: منظور از اعتراض به جنگ اگر به خیابان آملن باشد همه آماده هستند و همین حالا هم میکنند ولی حکومت با تألییر امنیتی فراوان همه این اعتراضات را به نوعی به نفع محافل خود تغییر میدهد و اساسا به همین دلیل مردم زیاد به فکر تظاهرات های این تپیی نیستند چون میبورد که کنار اینها به خیابان بیایند، اینه علت نیامدن مردم.

جوانان کمونیست: اینکه خود رژیم در مجموع علیه این جنگ است و شما هم "ضد آمریکا" بوده است، چقدر برای مردم در اعتراضات علیه جنگ و سیاستهای میلیتاریستی و ضد بشری آمریکا ملاحظه ایجاد میکند؟

شادی حقیقت طلب: البته من جواب اینرا دادم به نظر من اصلا مردم این

صحنه ۹

شدن فضا برای گسترش اعتراض و تحرک توده ای مردم و تشدید از هم پاشیدگی درونی روبرو خواهد شد. در مجموع به نظر می آید دوره قابل پیش بینی که جمهوری اسلامی میتوانست در سایه جنگ آمریکا علیه عراق بر عمر خود بیفزاید، کوتاه بود و بسرعت بسر میرسد.

برپایی تظاهراتی کارگری در یکی دو هفته اخیر، اخبار مربوط به اعتصاب احتمالی در بین ملعمان، نامه هایی که ما از دانشجویان و جوانان دریافت میکنیم، همه نشانه هایی از آن است که مبارزه علیه جمهوری اسلامی، مبارزه برای تغییر وضعیت موجود از سر گرفته میشود. با این تفاوت که در جریان جنگ جامعه آشکارا و بازمه بیشتر به چپ خردید. اما مبارزه در ایران بشدت تحت تاثیر تحولات بین المللی نقشه های عریبه کشان نظم نوینی و مشخصا آنچه در عراق میگذرد قرار خواهد گرفت و تحولات ایران بسهم خود میتواند تاثیرات تعیین کننده ای بر اوضاع عراق و بین المللی داشته باشد. طبعاً مردم ایران، بقول دوست عزیز و خواننده نشریه ما نگران آینده هستند، اما وقایع اخیر تا همینجا بار دیگر ثابت کرده است که نماینده تحول انسانی متمنانه و انقلابی در ایران تنها کمونیسم کارگری و آزادی و برابری سوسیالیستی میتواند باشد.

مارکسیسم و جهان امروز منصور حکمت

در شماره ۷۴ و ۷۶ این نشریه بخش هایی از «مارکسیسم و جهان امروز» را به چاپ رساندیم. اکنون در ادامه سوال دیگر این گفتگو با منصور حکمت را به چاپ میرسانیم که به مساله فرد و انسان در سرمایه داری و سوسیالیسم میپردازد. متن کامل این اثر برجسته را می‌توانید در سایت بنیاد منصور حکمت ببینید. یاد آور میشویم که این متن اول بار در اسفند ۱۳۷۰، مارس ۱۹۹۷ منتشر گردید. (جوانان کمونیست)

افرناسیوال: نکته ای که مفسرین غربی بویژه با شکست بلوک شرق بر آن تاکید میکنند فردیت و اصالت فرد چه در اقتصاد و چه در سیاست است. گفته میشود که نه فقط در اقتصاد نوع شوروی، بلکه در همه کشورهای که در طی دو دهه گذشته به نوعی اقتصاد رفاه متکی به نقش فعال دولت در تولید و توزیع و تنظیم مناسبات اقتصادی روی آوردند، افزایش مسئولیت جامعه یا دولت و تضعیف فردیت و رقابت و انگیزه فردی در فعالیت اقتصادی موجب رخوت اقتصادی و مشخصا درجا زدن تکنیکی جامعه میشود. به زعم مفسرین غربی رقابت و فردیت نه فقط رکن جامعه سرمایه داری است، بلکه جزء لاینفک و غیر قابل جایگزینی فعالیت اقتصادی انسان قایل کلی است. سوسیالیسم به این متهم میشود که به فرد بی توجه است، جامعه را به فرد مقدم میکند و حتی در صدد یک شکل کردن انسانها و از میان بردن فردیت آنهاست. سوال اینست که اولاً، بنظر شما این مساله چه سهمی در بن بست اقتصادی بلوک شرق داشت و ثانیاً، در سطح کلی تر، رابطه سوسیالیسم و فرد را چگونه تفسیر میکنید؟

منصور حکمت: قبل از هرچیز باید در معنی فرد و فردیت در ایندولژی بورژوازی دقیق شد. منظور از فرد در این ایندولژی انسان نیست و اصالت فرد نباید معادل انسان گرفته شود. اتفاقاً این خود جامعه سرمایه داری و تعلق بورژوا از انسان است که از خودیوژگی فردی انسانها، از تمام آن مشخصاتی که از هر یک ما انسانی منحصر بفرد میسازد و هویت فردی ما را تعریف میکند، انتزاع میکند و چه در قلمرو مادی و اقتصادی و چه از نظر معنوی و سیاسی – فرهنگی، تصویری بی چهره و فاقد هویت فردی از انسانها بدست میدهد. در این جامعه انسانها نه با هویت و مشخصات فردی شان، بلکه بعنوان محمل انسانی روابط اقتصادی معین با هم روبرو میشوند و به این عنوان با یکدیگر فعل و انفعال میکنند. رابطه میان انسانها صورت و وجهی از رابطه میان کالاهاست و اولین مولفه در تعریف مشخصات فرد رابطهای است که او با کالاها و پروسه تولید و مبادله آنها دارد. فرد موجود زندی است که یک مکان اقتصادی را نمایندگی میکند. کارگر حامل نیروی کار بعنوان یک کالا و فروشنده آن است، سرمایه دار تجسم انسانی سرمایه است، مصرف کننده، صاحب قدرت خرید معینی در بازار کالاست. انسان با این ظرفیتها

جوانان کمونیست

بود. وقتی مفسر غربی به نقض فردیت و فردگرایی در شوروی اشاره میکند اعتراض اساساً به سیستمی است که در آن مالکیت خصوصی به سرمایه بدست محدود شده است و لاجرم ارباب صنایع نه از منطق اقتصادی بازار، بلکه از تصمیمات یک نظام اداری تبعیت میکنند. عبارت دیگر سرمایه فاقد محمل های انسانی فردی و خصوصی متعدد است، و ثانیاً، کارگر شوروی علیرغم اینکه از نظر سیاسی در برابر سیستم اداری مطلقاً امتیزه و منفرد شده است، از نظر اقتصادی بعنوان یک فروشنده منفرد و در حال رقابت با کارگران دیگر ظاهر نمیشود. اینکه سیستم اداری بطور کلی میکوشید بر مبنای محاسبات اقتصادی خود مانند بازار، آحاد سرمایه را به عرصه های سودآورتر کانالیزه کند و یا راساً ارزش نیروی کار را در حداقل ممکن نگاه دارد، از نظر بورژوازی نمیتوانست جای تقابل آزادانه و رقابت آمیز سرمایه ها و رقابتی کار و سرمایه در یک بازار کار رقابتی را بگیرد. شعار اصالت فرد در برابر مدل شوروی شعار علییه این سیستم اداری به نفع آزادی سرمایه خصوصی و گسترش رقابت و افراد اقتصادی کارگران در بازار کار بود. همانطور که گفتم این سیستم اداری دیگر قادر نبود نقش پیچیده و متنوع بازار را به عهده بگیرد و بخصوص نمیتوانست انقلاب تکنیکی که در سطح کشورهای صنعتی جهان در جریان بود را به اقتصاد شوروی تعمیم بدهد.

بنظر من هم، با اینحتمل اصلی توسعه تکنیکی در این نظام است. اما این را هم باید گفت سرمایه داری بقاء خود را مدیون این واقعیت هم هست که خود بورژوازی مستمرا و در مقاطع تعیین کننده دامنه این رقابت و فردیت را در محدود کرده و بدخلتهای اقتصادی و ماوراء اقتصادی نهادهای اداری و دولتها در این سیستم تن داده است. بحرانهای اقتصادی با عواقب ویرانگر و رکودهای حاد همانقدر ذاتی سرمایه داری است که بهبود دائمی تکنولوژی و انباشت، سرمایه داری از این طریق خود را بازسازی و تصفیه میکند. نیاز بورژوازی به کنترل دامنه این بحران ها و از آن مهم تر ضرورت حفظ نظام بورژوازی از لحاظ سیاسی در مقابل مبارزه طبقه کارگر، احزاب و دولتهای بورژوازی را ناگزیر کرده است تا مستمرا از بالا در اقتصاد دخالت کنند و تعدیلاتی به مکانیسم بازار تحمیل کنند. تاچریسم و ماتریسم دهه هشتاد در مقابل یک سنت قدرتمند کینزی و سیاستهای سوسیال دموکراتیک که به دخالت مهم دولت و نقش هزینه های دولتی در رشد اقتصادی تاکید میکردند علم شد و بنظر میرسد امروز خود در جریان عقب نشینی است. بهرحال منظرم اینست که پذیرش نقش محوری رقابت و بازار در توسعه تکنیکی سرمایه داری هنوز به این معنی نیست که حتی خود بورژوازی بقاء سرمایه داری و رشد آن در دراز مدت را در بازار آزاد و رقابت کامل جستجو میکند و یا قبلاً بر این مبنا حرکت کرده است. بازار آزاد و رقابت کامل و فردگرایی اقتصادی افراطی مورد ادعای راست جدید کمونیست ها در هوا و غیر واقعی است که ایده سرمایه داری برنامه ریزی شده و فاقد رقابت.

در مورد سوسیالیسم و فرد، یا بهتر بگویم سوسیالیسم و انسان، زیاد میشود صحبت کرد. مارکس تا امروز جلی ترین و عمیق ترین منتقد مسخ انسانیت در جامعه سرمایه داری بوده است. اساس

مبحث فتنیسم کالایی در کتاب سرمایه نشان دادن این واقعیت است که چگونه سرمایه داری و تبدیل تولید و مبادله کالاها به محور مناسبات متقابل انسانها مبنای از خود بیگانگی و بی چهرگی انسان در جامعه سرمایه داری است. سوسیالیسم قرار است این هویت را به انسانها برگرداند. شعار از هر کس به اندازه قابلیتش و به هر کس به اندازه نیازش، تماماً مبتنی بر برسمیت شناختن و تضمین حق خود هر انسان در تعیین جایگاهش در حیات مادی جامعه است. در جامعه سرمایه داری انسان اسیر قوانین کور اقتصادی است که مستقل از تفکر و تعقل و تشخیص او، سرنوشته اقتصادی او را تعیین میکنند. همانطور که گفتم فرد در تفکر بورژوازی یعنی انسان سلب هویت شده، انسان از خودبیگانه، انسانی که تمام مشخصات ویژه و کیفیات فردی خاص او از او تکانده شده و لذا میتواند بصورت یک "راس" انسان به محل زندگانی این یا آن رابطه اقتصادی و نقش تولیدی تبدیل بشود. خریدار یا فروشنده یک کالای معین. اتفاقاً این جامعه سرمایه داری است که انسانها را به این شیوه استاندارد میکند و همه را با هم شبیه الگوهایی میکند که تقسیم کار اقتصادی بدست داده است. در این نظام ما نه انسانهایی معین با زاویه دید فردی خود به حیات، با روانشناسی و روحیات و عواطف خاص خودمان، بلکه اشغال کنندگان پستهای اقتصادی خاصی هستیم. ما واسطه های جاندار در مبادله کالاهای بیجانیم. ما را، حتی در روابط نزدیک جامعه، در درجه اول با این مشخصه مان میشناسند. چکاره هستیم، قدرت خریدمان چیست، طبقه مان چیست، شغل مان چیست. بر مبنای این موقعیت اقتصادی، یعنی بر مبنای رابطه مان با کالاها، دسته بندی و قضاوت میشویم. جامعه سرمایه داری مدل و قیافه زندگی هر یک از این دسته بندی ها را چه بدست داده است، چه میخوریم، چه میپوشیم، کجا زندگی میکنیم، از چه خوشحال میشویم، از چه میترسیم، رویا و کابوسمان چیست.

سرمایه داری بدو هویت انسانی ما را سلب میکند و بعد خودش ما را با هویت های استاندارد اقتصادی که به ما الصاق کرده است به هم معرفی میکند. در مقابل، سوسیالیسم جامعه ای است که در آن انسان بر مقدرات اقتصادی خود غالب میشود. از چنگ قوانین کور اقتصادی رها میشود و خود آگاهانه فعالیت اقتصادی خود را تعریف میکند. تصمیم با انسانها است و نه با بازار و انباشت و ارزش اضافه. این، یعنی رهایی کل جامعه از قوانین کور اقتصادی، شرط رهایی فرد و اعاده انسانیت و خودیوژگی انسانی هر فرد است.

تعمید سرمایه داری از فردیت در واقع تعجید امتیزه شدن انسانهاست. توده انسانها در نتیجه آنچنان سیال و انعطاف پذیر میشوند که میتوانند بر حسب نیازهای اقتصادی سرمایه به اینسو آن سو پرتاب بشوند. دقت کنید ببینید بورژوازی کجا یاد فردیت و حقوق فردی میافتد. در مقابل تلاش برای هر نوع برنامه ریزی اقتصادی که محل مکانیسم بازار باشد و پای اولویتهای اجتماعی ماوراء اقتصادی را به میان بکشد. با بحث فردیت و آزادی انتخاب فردی به جنگ بیمه درمانی دولتی، ملارس دولتی، مهد کودکیها، خدمات رفاهی عمومی، ممنوعیت اخراج، بیمه بیکاری و غیره

میروند. همینطور علیه اتحادیه ها و تشکلهای کارگری، زیرا این تشکلهای کارگر را، حال به هر درجهای، از امتیزه بودن بیرون میآورند و دامنه رقابت فردی در میان آحاد فروشنده نیروی کار را کاهش میدهند و به نحوی از انحاء تشخیص انسانهای معین در مورد سطح دستمزد و شرایط کار و غیره را به معادلات لخت و عور بازار تحمیل میکنند. درست جایی که کارگر و شهروند میخواهد انسانیت خود را اعمال کند و از موضع پرنسیپها و نیازهای انسانی خود و جامعه خود تصمیم اقتصادی بگیرد، بنظر بورژوا فردیت خود را نقض میکند. همین گرواه معنی واقعی اصالت فرد در سرمایه داری است.

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالیهای از پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و بنی انسانها. این شرط حیاتی شکوفایی فردی است.

از صفحه ۱

کارگران در صف اول

به بلاتکلیفی خویش و عدم پرداخت ۲۴ ماه حقوقهایشان در برابر فرمانداری بهشهر جمع شدند و علیه مقامات جمهوری اسلامی ساعتها شعار دادند. کارگران خشکین خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خویش و روشن کردن تکلیف شغلی خویش هستند. فرماندار بهشهر جرات نکرد در میان کارگران حاضر شود و کارگران پس از آنکه ساعتها به تجمع خود ادامه دادند با خشم و اعتراض تصمیم به ادامه اعتراضات خویش در روز بعد را اعلام کردند و پراکنده شدند.

روز بعد یعنی دوشنبه ۱۸ فروردین ماه کارگران مجدداً در برابر فرمانداری جمع شدند و بعد به طرف شهر شروع به راهپیمایی و شعار دادن کردند. در خیابانهای مسیر راهپیمایی مردم به شیوه های مختلف از کارگران پشتیبانی خود را ابراز میکردند. فضای شهر ملتهب بود و همه از اعتراضات کارگران سخن میگفتند. کارگران با شعار دادن علیه مقامات جمهوری اسلامی در برابر دفتر نماینده مجلس اسلامی رحمانی خلیلی جمع شدند و شروع به شعار دادن کردند. کارگران تابلوی دفتر را پایین کشیدند و بعد از ساعتی به طرف کارخانه چیت سازی راهپیمایی کردند. کارگران چیت ری اعلام کرده اند که تا گرفتن دستمزدهای معوقه خویش به مبارزه و اعتراضات خود ادامه خواهند داد.

عدم پرداخت دستمزد کارگران یک جرم جنایی است. صاحبان کارخانه ها با پشتگرایی از حمایت رژیم اسلامی، ماهها دستمزد ناچیز کارگران را بالا کشیدند و زندگی این کارگران را با رنج و مشقت همراه ساخته اند. حزب کمونیست کارگری از مبارزه متحد و پرشور کارگران چیت بهشهر و خواستههای بحق آنان قاطعانه پشتیبانی میکند و همه کارگران و مردم شریف را به حمایت از آنها فرا میخواند. دستمزد کارگران باید فوراً و بدون هیچ بهانه و تاخیری پرداخت شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ فروردین ماه ۱۳۸۲ - ۸ آوریل ۲۰۰۳

لینک نادر بکتاش



امام زمان

کایتان هادوک و هیچی
http://hichi.blogspot.com

— کیه پای تلفن؟
— به آقاییه، میگه امام زمانه.
— خوب، چی می خواد؟
— میگه میخواد قیام کنه و حکومت
عدل الهی برپا کنه. میگه از همه
مساعدت میخواد.
— بگو من اجازه نمی دم از این کارا
با مملکت من بکنه. بگو اگه خیلی اصرار
داره می تونه بره به تیکه زمین بخره اون
تو هر کار دلش می خواد بکنه. بگو
ضمناً سر جندش خون و خونریزی هم راه
نندازه که حوصله ندارم.

جنگ جنگ تا پیروزی

دناسناز
http://dentist.blogspot.com

امشب به مناسبت شب چهار شنبه
سوری دوباره دیدمشان، مدتی بود کم
پیدا شده بودند. هنوز هم همانقدر ابله

چه اشتباهی کردیم دنیا آمدیم!

سیب زمینی
http://iust.blogspot.com

شیشه شیر جام شوکران رو سر بکشند!
لازمه یه بار دیگه تکرار کنیم که: "پدر،
مادر، ما متهمیم"
یادمون باشه، بعضی اشتباهات خیلی
پرهزینه اند. همیشه یادمون بمونه!

روز "من شنن" ما

غریب آشنا
http://gharibashna.blogspot.com

روز ۱۲ فروردین
روز فریب بزرگ،
روز پیوند شوم دیانت و سیاست،
روز خفه شدن دمکراسی در نطفه،
روز نهادینه شدن آخوندیسیم در کشور،
روز پنهان شدن گیسوان تو پشت
حصار تحجر،
روز ناکفته ماندن عاشقانه های من
پشت دیوار رابطه ها،
روز به چله نشستن عشق،
روز بسته شدن چشم ها،
روز بیغ کردن فناری ها،
روز "من شنن" ما،
تسلیت باد!

میبینی؟ شاید همان زن کردی باشد
که گشتاپوی بعضی ها سالها پیش شوهر
و پسرانش را بردند و آنها دیگر هیچگاه
برنگشتند... شاید هم آن زن عراقی باشد
که یک موشک کروز یک میلیون دلاری
اتاقک چندصد دلاری و کودک چنددلاری
اش (آخر کودکش بیمار بود و ارزشی
بیشتر از چند دلار نداشت!) را خاکستر
کرد ... زندگی همین است نه؟ ...
مسئولیت چطور؟، آنکه سارتر میگفت
یا آتی که فوکو از آن دم می زد؟؟؟ .
.. انتخاب سختی ست! باید بحث
ایدئولوژیک کنیم!! ...
ها ها ها !!! میدانم! دیگر برای
آرمانگرایی بیش از ۵ یا ۶ دلار خرج
نمیکند!

اکثریت به اصطلاح نسل سومی ها،
سالها پیش در چنین روزهایی که زندگیشون
فقط با یک شیشه شیر به این دنیا پیوند
خورده بود یا هنوز به دنیا نیومده بودند،
انگار در ضمیر ناخودآگاهشون و با زبون
بی زبونی از ماداری خودشون می خوان
که به خاطر نامبارکی این روز، به جای

هستند. مثل همیشه چماق، چاقو و بی
سیم. پیراهن سیاه هم داشتند، عریضه می
کشیدند و می زدند. از کجا می آمدند،
خدا می داند. پلیس هم نظاره گر لایقی
بود.
۱ - شعار جنگ جنگ تا پیروزی
را که امروز بوش فریاد می زند، برای همه
ما آشناست. ما سالها آن را شنیده ایم
و حکمرانان پرچمداران آن بوده اند.
۲ - شبکه خبر روی بلاکاری با این
نوشته در تظاهرات ضد جنگ لندن زوم
کرد:

Tony, pull out like your
father should have!

کلی خندیدم.

از صفحه ۲

گفتگو با شادی حقیقت طلب

ملاحظه را ندارند و برایشان مهم نیست
که حالا این نظام از چه بابتی با آمریکا
موافق یا مخالف است. برای مردم مردم
بیشتر این مد نظر است که در کنار اینها
به صحنه نیایند چون سران نظام از
کمترین فرصت برای اعتبار خود در بین
مردم استفاده خواهند کرد.

جوانان کمونیست: آیا با باز شدن
مجدد دانشگاهها بعد از تعطیلات عید،
فکر میکنید شاهد اعتراضات مستقل
دانشجویی (مستقل از دولت) بر علیه
جنگ باشیم؟

شادی حقیقت طلب: کاملاً، به نظر

من تنها جای ممکن اعتراض به جنگ
از دید انسانی آن در حال حاضر این نقطه
(دانشگاه) است و بهتر است بدانید هم
ما و هم تمام دانشجویان برای چند روز
آینده حتماً در تدارک این اعتراض
خواهیم بود. امیدوارم بتوان در این تظاهرات
نقش ترویسم و گردنکشی آمریکا و سران
نظام را برای مردم روشنتر کرد.

جوانان کمونیست: کلاً با در نظر
گرفتن تاثیرات جنگ، روحیه و فضا در
بین مردم در رابطه با جمهوری اسلامی
و اعتراض علیه وضعیت موجود، چطور
است؟

شادی حقیقت طلب: ببینید در حال
حاضر مردم ایران در یک دوحالی هستند.
دوحالی وحشتناک. در حال او خوب
طبیعی است که جنگ را تجربه کردند و
میدانند به نفع هیچ انسانی نیست، و راه

دوم اینکه سیاستهای تا کنونی حتی
اپوزیسیون بیرون ایران موضع خوبی نسبت
به این جنگ ندارد. منهای حزب کمونیست
کارگری که من به جرئت میتوانم بگویم اگر
تمام مردم را بتوان با این نظرات آشنا
کرد مردم در کوتاه ترین فرصت خود
تضمین تغییر وضعیت را میدهند.
جوانان کمونیست: چقدر مجموعاً
این فضا برای پیشروی کمونیسم کارگری
مناسب است؟
شادی حقیقت طلب: این فضا به نظر
من، با مطالعاتی که از منصور حکمت
در مورد جنگ خلیج و بقیه نظرات ایشان
در مورد دنیا بعد از ۱۱ سپتامبر کردم،
به جرئت میتوانم بگویم بهترین فرصت
برای شناخته (شدن) و پیشروی کمونیسم
کارگری است و شاید از شرایط نادر تاریخ
جهان است.

جوانان کمونیست: کمی از خودتان
بگویید. (تا آنجا که چاپ علنی آن هیچ
مشکل امنیتی ایجاد نکند). مایلید
عضو سازمان جوانان کمونیست شوید؟
شادی حقیقت طلب: دختری هستم .
..(برخی نکات شادی را صرفاً به دلایل
امنیتی مجبور شدیم حذف کنیم) که
خود را عضو حزب کمونیست کارگری
میدانم - البته با نظر گرفتن اصول
سازمانی حزب من این جسات را به
خودم میدهم - و باید بگویم در صورت
توافق سازمان جوانان این بزرگترین افتخار
من است که اگر خود را بتوانم در کنار
اعضای سازمان جوانان ببینم. من بیصبرانه
منتظر این هستم که شما بتوانید حرکتی
ما را در مورد تمام اجزای (فعالیت)
حزب کمونیست کارگری از زنان تا جوانان
ببینید.

"یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

تلویزیون انترناسیونال

تلویزیون انترناسیونال از روز
یکشنبه ۲۴ فروردین (۱۳ آوریل) شروع
به کار خواهد کرد. تلویزیون انترناسیونال،
سیمای آزادی، سیمای برابری و انسانیت
و سیمای کارگر است.

برنامه های این تلویزیون روزهای
یکشنبه ساعت ۵ و نیم بعد از ظهر
بوقت تهران به مدت یکساعت از
شبکه تلویزیونی کاتال یک پخش
خواهد شد. همین برنامه روزهای
چهارشنبه ساعت ۱۱ و نیم شب به
وقت تهران تکرار خواهد شد.

برنامهای تلویزیون انترناسیونال در
اروپا و آمریکای شمالی هم پخش
میشود. این برنامهها از طریق شبکه
اینترت (سایت روزنه) نیز قابل دسترسی
خواهند بود.

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت
۹ شب به وقت تهران به مدت نیم
ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر
با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد
شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت
برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹
و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵
طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به
اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.
Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-
international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10
0044 776 110 66 83
0049 179 74 30 908
0046 736 50 80 40
001 416 688 5572
00905552048603
0046 70 48 68 647
0049 174 944 02 01
001- 416 434 15 45
fax:001 416 434 154 5

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:
انگلیستان:
آلمان:
سوئد:
کانادا:
ترکیه:
دبیر تشکیلات خارج:
دبیر کمیته مرکزی:
مشاور دبیر:
آدرس پستی:
Postfach 620 515
10795 Berlin
Germany

شیوا فرمند
سرور ملائکه
امید چوری
آزاد خدری
مهدی شهابی
مریم طاهری
بهرام مدرسی
ثریا شهابی
Jawanan

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com
Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:
www.jawanan.org
www.m-hekmat.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.medusa2000.com
www.wpiran.org
www.childrenfirstinternational.org